

مأخذ شناسی و باز شناسی محتوای کتاب الاوصیاء شلمغانی

محمد غفوری نژاد^۱ - محمد تقی ذاکری^۲

چکیده

«کتاب الاوصیاء» یکی از تألیفات مهم شلمغانی (م ۳۲۲ ق) است که موضوع اصلی آن، امامت و استمرار سنت وصایت از انبیا تا اوصیا بوده است. عنایت مؤلفان شیعه به این کتاب در طول تاریخ، در عین انحرافی که بعد از یک دوره خدمات علمی، مؤلف آن بدان دچار گردید؛ گویای اهمیت این کتاب است. هر چند تا کنون در خصوص این کتاب تحقیق‌هایی انجام یافته؛ منابع مورد استفاده شلمغانی در تألیف این کتاب تا کنون مورد تحقیق قرار نگرفته، از این رو، این سوال باقی است که شلمغانی در تألیف آن از چه منابعی بهره برده است؟ استخراج روایات کتاب الاوصیاء از منابع روایی موجود و مطالعه و تحلیل اسناد آن، می‌تواند منابع آن را تا حدی روشن کند. در این تحقیق که بر روی ۲۳ روایت برجای مانده از کتاب الاوصیاء انجام یافته، روشن گردید که وی از منابعی همچون الدلائل عبدالله بن جعفر حمیری (۷ روایت و بیش‌ترین فراوانی)، المحاسن احمد بن محمد بن خالد برقی (۳ روایت)، برخی تألیفات سعد بن عبدالله اشعری (۲ روایت) و احتمالاً آثاری همچون مسائل الرضا علیه السلام، ابو محمد حسن بن علی بن زیاد الوشاء (۱ روایت)، الفضائل، یا النوادر، جابر بن یزید جعفی (۱ روایت)، الممدوحین و المذمومین، محمد بن عبدالله بن مهران (۱ روایت) و الواحدة، حسن بن محمد بن جمهور (۱ روایت) بهره برده است.

واژگان کلیدی: شلمغانی، کتاب الاوصیاء، دلائل الامامة، اثبات الوصیة، مأخذ شناسی.

Ghafoori_n@yahoo.com

۱. استادیار گروه شیعه شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اهل بیت علیهم السلام جامعه المصطفی العالمیه «نویسنده مسئول». Taghi.zakeri@yahoo.com

ابو جعفر، محمد بن علی شلمغانی، مقتول به سال ۳۲۲ قمری (ازدی، ۱۴۲۷، ج ۲: ۲۴۱)؛ یکی از شخصیت‌های جریان ساز عصر غیبت صغرا (۳۲۹ - ۲۶۰ ق) است. وی همزمان با دوران وکالت حسین بن روح (۳۲۶ - ۳۰۵ ق) سومین سرپرست وکلای امام دوازدهم در دوران غیبت صغرا مورد توجه وی قرار گرفت. ابن روح به دلیل جایگاه علمی شلمغانی، به وی عنایت داشت. از همین رو شلمغانی توانست در میان امامیه جایگاهی والا بیابد. (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۰۳). دیری نپایید که دوران انحراف او آغاز شد. وی ادعاهای مختلفی را برای پیروان خویش مطرح می‌ساخت که یکی از مهم‌ترین آن‌ها نیابت او از امام دوازدهم و مأموریتش از جانب امام برای اظهار علمش بوده است (همان: ۳۰۷). این ادعاهای شلمغانی، عکس العمل حسین بن روح و دیگر وکلا را در پی داشت و حوادث بسیاری را رقم زد که در منابع به تفصیل گزارش شده است (ازدی، ۱۴۲۷، ج ۲: ۲۴۱ و ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۸: ۲۸۹). سرانجام این حوادث به دستگیری و قتل شلمغانی توسط خلیفه عباسی وقت، یعنی الراضی بالله (۳۲۲ - ۳۲۹ ق) انجامید (ازدی، ۱۴۲۷، ج ۲: ۲۴۱ و ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۸: ۲۸۹). قابل توجه آن که به‌رغم این که او خود به یکی از دل‌مشغولی‌های وکلا و علمای شیعه در این دوره و نیز دوره غیبت کبرا تبدیل شد؛ کتاب الاوصیای وی برای مقابله با برخی درگیری‌های اعتقادی مورد توجه و مراجعه مولفان شیعه قرار گرفت. توضیح این‌که جریان ولادت امام دوازدهم، از زمان حیات امام عسکری علیه السلام به دلایل امنیتی از عموم مردم پوشیده نگاه داشته می‌شد (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۴۱ - ۴۲ و طوسی، ۱۴۱۱: ۱۳۱ - ۱۳۲). از همین رو، یکی از مهم‌ترین درگیری‌های اعتقادی شیعه که وکلای امام دوازدهم و مولفان شیعه از دوره غیبت صغرا به بعد به آن پرداخته‌اند، اثبات ولادت امام دوازدهم بوده است (رحمتی، ۱۳۸۵، ش ۲۵: ۳۵ - ۸۲). در این میان، شیخ طوسی در کتاب الغیبة در فصل «الکلام فی ولادة صاحب الزمان و اثباتها بالدلیل و الاخبار» که به جمع آوری اخبار مربوط به ولادت امام زمان علیه السلام عنایت دارد، به عنوان شاهد و دلیل به دو روایت از کتاب الاوصیای شلمغانی استناد می‌کند. (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۴۵ - ۲۴۶). استناد شیخ الطائفه به این کتاب برای اثبات موضوعی کلیدی، آن هم در دوره‌ای که بسیاری از

منابع حدیثی دیگر در دسترس وی بوده؛ گویای جایگاه ویژه این کتاب نزد وی و تأثیر آن بر اعتقادات شیعه است. از این رو، شایسته است در مورد این کتاب، محتوای آن و مصادر مورد استفاده شلمغانی در آن، مطالعات دقیق‌تری صورت دهیم. گفتنی است تحقیق در خصوص این کتاب، در دوران حاضر مورد توجه قرار گرفته است. یکی از تحقیق‌های قابل ذکر در این مورد، مقاله ای است با نام «از کتاب الاوصیای شلمغانی تا اثبات الوصیه مسعودی»، نوشته حسن انصاری. نویسنده در این مقاله به «حل معمای چند کتاب» پرداخته و ضمن آن که به ارتباط کتاب الاوصیای شلمغانی با کتاب معروف «اثبات الوصیه» منسوب به مسعودی و نیز چند کتاب دیگر پرداخته است؛ سعی بر آن داشته تا در مورد کتاب اثبات الوصیه و مولف آن به داوری بپردازد. هر چند این مقاله به عنوان پیشینه تحقیق حاضر حائز اهمیت است؛ تفاوت این تحقیق با مقاله مذکور در آن است که در این تحقیق مأخذ شناسی و باز شناسی کتاب الاوصیای شلمغانی مورد توجه قرار گرفته است. در این تحقیق تلاش شده با مطالعه بقایای این کتاب در منابع موجود، با محتوای آن آشنایی بیش‌تری حاصل کرده و منابع مورد استفاده شلمغانی در تألیف کتاب را، اعم از منابع مکتوب و غیر مکتوب، در حدی که داده‌های تاریخی یاری می‌کند؛ بازشناسیم. در این تحقیق به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود که محتوای کتاب الاوصیای شلمغانی چیست؟ این کتاب در بین مولفان شیعه چه جایگاهی داشته است؟ طریق دست‌یابی شلمغانی به روایات کتاب الاوصیاء و منابع مورد استفاده وی چه بوده است؟ این کتاب چگونه از شلمغانی به دیگران انتقال یافته است؟

کتاب الاوصیاء

در منابع، از این کتاب با نام‌های مختلفی همچون «الاوصیاء» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۷۸) و «الوصیة» (ابن طاووس، بی تا: ۱۳۰ و حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۵: ۳۱) یاد شده است. نام دیگری نیز برای این کتاب به کار برده شده که در تشخیص محتوای آن مفید است. در کتاب «فرج المهموم» سید بن طاووس (م ۶۶۴ ق) از کتابی به نام «الانبياء و الاوصیاء من آدم الی المهدی» روایتی را نقل کرده و مولف کتاب را محمد بن علی نامیده (ابن طاووس، ۱۳۶۸:

(۱۱۱) که برخی از محققان معاصر احتمال می‌دهند این کتاب همان کتاب الاوصیای شلمغانی و عبارت مذکور، نام کامل این کتاب باشد (کلیبرگ، ۱۳۷۱: ۱۸۷). قابل توجه آن که روایتی که ابن طاووس نقل کرده، در کتاب «دلائل الامامه» طبری (منسوب به طبری، ۱۴۱۳: ۲۱۰) از شلمغانی نقل شده است. بنابراین، مشخص می‌گردد که احتمال کلیبرگ صحیح بوده و مراد از محمد بن علی در عبارت سید بن طاووس، همان شلمغانی است. با این اوصاف، روشن می‌گردد که موضوع کتاب الاوصیای شلمغانی استمرار سنت وصایت، از آدم تا پیامبر خاتم صلوات الله علیه و از پیامبر تا حضرت مهدی علیه السلام است (شبییری محمد جواد، تابستان ۱۳۸۱، ش ۴: ۲۰۱-۲۲۸).

این کتاب، حتی پس از آن که شلمغانی راه انحراف در پیش گرفت، مورد اعتماد مولفان شیعه بوده است. محمد جعفر بن محمد طاهر خراسانی (م ۱۱۷۵ ق)، صاحب کتاب «اکلیل المنهج فی تحقیق المطلب»، که شرحی است بر «منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال» میرزا محمد استرآبادی (م ۱۰۲۸ ق)؛ هنگام بحث از شلمغانی و کتاب الاوصیای وی، از محمد بن عبدالفتاح السراب تنکابنی (م ۱۱۲۴ ق) چنین نقل می‌کند:

«این کتاب الآن نزد من است و دارای فواید بسیاری است و مشتمل است بر اخبار انبیا و اوصیا. مؤلف در اول کتاب ذکر کرده که غیر از احادیث مشهور و ثابت در این کتاب نیاورده است و روات آن نیز ذکر کرده‌اند که شلمغانی در حال استقامت، این کتاب را تألیف کرده است (کریاسی، ۱۴۲۵: ۴۵۹).

افزون بر آن می‌توان گفت در کتاب‌هایی چون: «اثبات الوصیة»^۱ (منسوب به مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۶۰ و...) (دلائل الامامة منسوب به طبری، ۱۴۱۳: ۱۷۴، ۱۸۹، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۹۶، ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۴۸ و...)،

«عیون المعجزات»، حسین بن عبد الوهاب (حسین بن عبد الوهاب، بی تا: ۶۸، ۷۲، ۹۸،

۱. در مورد انتساب این کتاب به مسعودی (ر.ک: شبییری محمد جواد، تابستان ۱۳۸۱، ش ۴: ۲۲۸-۲۰۱)؛ و در مورد انتساب این کتاب به طبری (ر.ک: صفری فروشانی، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ش ۳۷ و ۳۸: ۲۲۳-۲۴۰).

۱۰۶): «فرج المهموم»، سید علی بن طاووس (ابن طاووس، ۱۳۶۸: ۱۱۱)، «فرحة الغری»، سید عبدالکریم بن طاووس (عبدالکریم بن طاووس، بی تا: ۱۳۰)، «مختصر بصائر الدرجات»، حسن بن سلیمان حلی (حلی، ۱۴۲۱: ۴۰۰)؛ «جواهر السنیة»، حر عاملی (حر عاملی، ۱۳۸۴: ۳۳۱)، و کتاب‌های «مدینة المعاجز» (بحرانی، ۱۴۱۳، ج: ۶: ۲۲۶ و ۲۲۵؛ ج: ۷: ۸۱ و ۲۵۹) و «حلیة الابرار»، سید هاشم بحرانی، (بحرانی، ۱۴۱۱، ج: ۴: ۲۰۱)؛ نیز نقل‌هایی مستقیم از کتاب الاوصیای شلمغانی آمده است. جالب توجه این که حر عاملی در کتاب جواهر السنیة، ضمن اشاره به یکی از روایات شلمغانی می‌گوید: «روایت مذکور را محمد بن علی الشلمغانی العزاقری در کتاب الوصیه که در زمان استقامت تألیف کرده؛ روایت کرده است (حر عاملی، ۱۳۸۴: ۳۳۱). هم چنین او در کتاب «وسائل الشیعه» در مورد کتاب الاوصیاء می‌گوید:

نسخه‌ای از کتاب الوصیه شلمغانی که آن را در حال استقامت تألیف کرده، نزد من بوده است و بر روی آن نوشته‌هایی بود از جماعتی از فضلا که بر این سخن [یعنی تألیف در حال استقامت] تأکید کرده بودند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج: ۲۵: ۳۱).

از آن چه تا کنون ذکر شد، این نکته به دست می‌آید که هر چند منابع فهرست نگاری متقدم در خصوص زمان تألیف این کتاب توسط شلمغانی ساکت مانده‌اند؛ اقوال مذکور این مسئله را روشن می‌سازند که شلمغانی این کتاب را قبل از انحراف تألیف کرده است. لذا با توجه به مضامین روایات شلمغانی در این کتاب، برای پذیرش این مسئله مانعی به نظر نمی‌رسد. مطلب دیگر این که توجه به کتاب‌هایی که از این کتاب شلمغانی بهره برده‌اند؛ این مسئله را روشن می‌سازد که این کتاب شلمغانی مورد عنایت مولفانی قرار گرفته است که عموماً مشترکاتی چون حدیث گرای، اخباری مسلک بودن و مناقب نویسی دارند؛ خصوصاً در کتاب‌هایی چون: اثبات الوصیه، دلائل الامامه، عیون المعجزات، مختصر البصائر، مدینه المعاجز این رویکرد کاملاً مشهود است.

در خصوص کتاب الاوصیای شلمغانی، این مطلب شایان ذکر است که بین این کتاب و کتاب اثبات الوصیه، منسوب به مسعودی ارتباط و پیوندی وثیق وجود دارد (شسبیری محمد

۱. در مورد او (ر.ک: صفری فروشانی، زمستان ۱۳۸۵، ش ۴: ۱۵۶-۱۶۸).

جواد، تابستان ۱۳۸۱، ش ۴: ۲۰۱-۲۲۸ و انصاری، ۱۳۹۰: ۸۷۵-۹۱۷). این پیوند به حدی است که اساسا برخی معتقدند متنی که امروزه با نام اثبات الوصیه مشهور است، در واقع متنی متشکل از چندین دفتر حدیثی مولفان شیعه بوده که قسمت‌های قابل توجهی از آن، بخش‌هایی از کتاب الاوصیاء شلمغانی بوده است. همچنین معتقدند در بخش نخست کتاب اثبات الوصیه، مطالب عامی درباره انبیا و اوصیای آنان آمده که ظاهرا بخش اصلی کتاب الاوصیاء شلمغانی را تشکیل می‌داده است و احتمالا عینا به متن ترکیبی که اثبات الوصیه نامیده می‌شود؛ اضافه شده است (انصاری، ۱۳۹۰: ۹۱۶). شایان ذکر است که افزون بر یافته‌های محققان در باب ارتباط این دو کتاب، به نکاتی دست یافته‌ایم که این پیوند را نمایان تر می‌سازد؛ از جمله این که در متن اثبات الوصیه، گاه مطالبی چون باور به وجود «ولی» و «ضد او» در هر زمانی، از باورهای مسلم و محوری تلقی شده است؛ به گونه‌ای که مولف در صدد مشخص کردن ولی و ضد او در همه زمان‌هاست (منسوب به مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۱-۲۶). نیز در کتاب اثبات الوصیه در مورد مسائلی چون اعتقاد به تناسخ، در قالب نقل روایت با این گونه مضامین، اشاره‌هایی صورت گرفته است (همان: ۳۲). این امور جزء باورهایی است که در منابع مختلف به شلمغانی نسبت داده می‌شود (ازدی، ۱۴۲۷، ج ۲: ۲۴۱-۲۴۲). به هر ترتیب، می‌توان بین اثبات الوصیه و روایات کتاب الاوصیاء، یا باورهای شلمغانی تشابهات بسیاری یافت (به نحوی که این مسئله را که متن اولیه کتاب اثبات الوصیه همان کتاب الاوصیاء شلمغانی باشد، به ذهن نزدیک می‌سازد) که پرداختن به آن‌ها مستلزم مبحثی گسترده و خارج از موضوع این تحقیق است.

در آمدی روش شناختی

قبل از پرداختن به روایات کتاب الاوصیاء و بررسی منابع آن، ذکر چند مسئله مهم ضروری است:

نخست آن که در منابع مختلف، خصوصا در کتاب اثبات الوصیه، چنان که برخی محققان متذکر گردیده‌اند (انصاری، ۱۳۹۰: ۸۷۵-۹۱۷)؛ روایات متعددی را می‌توان بر اساس حدس و

گمان منسوب به شلمغانی دانست. اما در این تحقیق تنها روایاتی مورد بررسی قرار می‌گیرد که قطعا از شلمغانی است. به این ترتیب ابتدا می‌بایست روشن شود که روایات متعلق به شلمغانی کدام است و انتساب آن‌ها به او چگونه اثبات می‌گردد؛ چه این که در اسناد برخی از این روایات، به نام شلمغانی تصریح نشده و عناوینی مشترک میان او و دیگران، همچون محمد بن علی یا ابوجعفر محمد بن علی، به کار رفته است.

دیگر آن که پس از اثبات قطعی انتساب این روایات به شلمغانی، باید مشخص گردد که این روایات به کتاب الاوصیاء شلمغانی متعلق است و از کتاب‌های دیگر او اخذ نشده است؛ چه این که در بسیاری از این روایات، که در منابع مختلف پراکنده‌اند، نسبت به این که از کدام اثر شلمغانی گرفته شده است، تصریحی وجود ندارد. بر این اساس، با بررسی‌های انجام شده، در میان منابع موجود به ۲۳ روایت دست یافتیم که به طور قطع به شلمغانی و کتاب الاوصیاء وی تعلق دارد. ۳ روایت از این تعداد را طوسی با ذکر نام شلمغانی و تصریح بر این که متعلق به کتاب الاوصیاء اوست ذکر کرده است (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۴۵، ۲۴۶ و ۳۴۳). عبد الکریم بن احمد بن طاووس (ابن طاووس، بی تا: ۱۳۰-۱۳۱) و حر عاملی (حر عاملی، ۱۳۸۴: ۳۳۱). نیز هر کدام، یکی از روایات شلمغانی را با تصریح بر نام وی و کتاب الاوصیاء آورده‌اند. یکی دیگر از این روایات را حسن بن سلیمان حلی ذکر کرده که در آن به نام شلمغانی تصریح می‌کند؛ اما نسبت به این که به کدام یک از کتاب‌های او متعلق است، سخنی نمی‌گوید (حلی، ۱۴۲۱: ۴۰۰). با این حال، به نظر می‌رسد از آن جا که این روایت در کتاب اثبات الوصیه ذکر گردیده (منسوب به مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۴۹) و این کتاب با الاوصیاء شلمغانی پیوند وثیقی دارد، به کتاب الاوصیاء متعلق باشد. مهم‌تر از این‌ها، آن که در کتاب دلائل الامامه، منسوب به طبری، ۱۷ روایت از شلمغانی ذکر شده که در پنج روایت از این تعداد، به نام شلمغانی با عبارت «ابو جعفر محمد بن علی الشلمغانی» تصریح شده است (منسوب به طبری، ۱۴۱۳: ۱۸۹، ۲۹۶، ۳۰۷، ۳۲۶، ۴۰۱)؛ اما مابقی روایات لفظ «شلمغانی» را ندارد؛ بلکه تنها با عنوان «ابو جعفر محمد بن علی» آمده است (ادامه مقاله). با این وصف، تردیدی نداریم که روایات مورد نظر نیز به شلمغانی متعلق است؛ زیرا طریق مؤلف دلائل الامامه به تمام ۱۷ روایت

مورد نظر چنین است: «حدثنی ابوالفضل محمد بن عبدالله الشیبانی قال حدثنی ابو النجم بدر بن عمار الطبرستانی قال حدثنی ابو جعفر محمد بن علی (الشلمغانی)». البته در ۱۲ روایت از این تعداد، لفظ «الشلمغانی» در سند وجود ندارد؛ ولی به قرینه ۵ روایت دیگر کشف می‌شود که مراد از ابوجعفر، محمد بن علی، همان شلمغانی است. عدم ذکر لفظ شلمغانی در این ۱۲ روایت، باعث شده که برخی منابع متأخر، همچون بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰: ۲۷۱) و به تبعیت از وی، منابع دیگر (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴: ۳۱۲؛ ج ۱۵: ۶۳ و بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۲۵: ۲۹۲)؛ در مقام نقل بعضی از این روایات، از کتاب مذکور، به جهت تشابه اسمی که میان شلمغانی و شیخ صدوق وجود دارد، عبارت «ابو جعفر محمد بن علی» را از سند روایت حذف کرده و، عبارت «الصدوق» را جایگزین کنند. از دیگر قرائنی که نشان می‌دهد مرحوم مجلسی و دیگران به خطا رفته‌اند، آن است که ابوالفضل شیبانی، متوفای ۳۸۷ هجری و صدوق متوفای ۳۸۱ هجری است. بنابراین، آنان در یک طبقه قرار دارند و روایت یک راوی از هم طبقه خود با واسطه یک راوی دیگر، امری است که کم‌تر اتفاق افتاده است. مطلب سوم در خصوص ابو النجم بدر بن عمار الطبرستانی است. او در تمام این روایات ۱۷ گانه، واسطه بین ابوالفضل شیبانی و شلمغانی است. این، در حالی است که چنان که نجاشی می‌گوید: ابوالفضل خود نقل کرده است که در «معلثایا»^۱ و زمانی که شلمغانی در خفا به سر می‌برد؛ نزد او رفته و روایات وی را از خودش دریافت داشته است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۷۹). افزون بر آن، نام ابوالنجم بدر بن عمار طبرستانی تنها در این روایات ۱۷ گانه دیده می‌شود و در غیر از این روایات، هیچ نام و نشانی از او در هیچ منبعی، اعم از منابع حدیثی، رجال و شرح حال نویسی یافت نشد. با این اوصاف، به نظر می‌رسد ذکر شخصی با این نام، به عنوان واسطه بین ابوالفضل و شلمغانی ترفندی از سوی ابوالفضل شیبانی بوده است که به منظور پرهیز از نقل مستقیم از شلمغانی به دلیل انحراف و بد نامی او انجام شده است.

۱. سرزمین کوچکی در نزدیکی جزیره ابن عمر از نواحی موصل. (یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵: ۱۵۸). امروزه این مکان که در بر دارنده آثار باستانی مربوط به آشوریان است، در جنوب موصل در کردستان عراق قرار دارد.

تذکر این نکته لازم است: از آن جا که این ۱۷ روایت در کتاب اثبات الوصیة ذکر گردیده و چنان که گفته شد، میان اثبات الوصیة با کتاب الاوصیاء شلمغانی پیوندی وثیق برقرار است؛ آن ها را برگرفته از الاوصیاء شلمغانی تلقی می کنیم.

قرینه دیگر این مدعا آن است که یکی از این روایات را سید بن طاووس، در فرج المهموم از کتاب الاوصیاء شلمغانی نقل می کند (ابن طاووس، ۱۳۶۸: ۱۸۷ مقایسه کنید با: منسوب به طبری، ۱۴۱۳: ۲۱۰).

منابع کتاب الاوصیاء

- به منظور بررسی منابع کتاب الاوصیاء، لازم است روایات منقول از این کتاب را یک به یک مورد بررسی قرار دهیم؛ لذا در هر مورد، بر اساس داده های رجالی و فهرستی، منابع شلمغانی را مورد مطالعه و تحلیل قرار می دهیم:

۱. نخستین روایت، روایتی است که طوسی در باب اثبات ولادت امام زمان علیه السلام ذکر کرده است. در این روایت، راوی، یعنی پدر حمزة بن نصر (خادم امام هادی علیه السلام) از این مسئله خبر می دهد که به سبب ولادت امام زمان علیه السلام به او دستور می رسد که به همراه گوشت، یک قلم با مغز برای کودک تازه متولد شده خریداری کند (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۴۵). این روایت در منابع موجود از کتاب الاوصیاء شلمغانی اخذ شده (حر عاملی، ۱۴۲۵، ج ۵: ۱۲۶) و ظاهراً وی آن را از منبع مکتوبی دریافت نکرده است.

۲. این روایت را نیز طوسی در کتاب الغیبه و در همان باب متذکر شده است. در این روایت نیز راوی (ابراهیم بن ادريس) ادعا می کند که از جانب امام عسکری علیه السلام برای او قوچی فرستاده شده تا آن را برای تازه مولود (امام زمان) عقیقه کند (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۴۵). طریق شلمغانی به ابراهیم بن ادريس می رسد و او فردی است که از او با عنوان «الثقه» یاد کرده است. این روایت در منابع دیگر، از کتاب الاوصیاء شلمغانی منقول است (حر عاملی، ۱۴۲۵، ج ۵: ۱۲۷-۱۲۶) و تنها در کتاب «الهدایه» حسین بن حمدان (م ۳۳۴ ق) سندی متصل برای آن ذکر گردیده است (خصیبی، ۱۴۱۹: ۳۵۸). در ابتدای این سند، حسن بن محمد بن جمهور قرار دارد و او از فردی با عنوان «البشار» این روایت را از ابراهیم بن ادريس نقل می کند.

حسن بن محمد بن جمهور کتابی با عنوان «الواحدة» داشته است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۶۲). جالب توجه این که طوسی هم پدر او محمد بن جمهور را جزء اصحاب امام رضا علیه السلام ذکر می‌کند (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۶۴) و هم جزء کسانی که از ائمه علیهم السلام روایتی نقل نکرده‌اند (همان: ۴۴۸). همچنین وی بیش از ۱۱۰ سال زندگی کرده (رک: نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۷) و صاحب کتاب‌هایی بوده که عناوین جالب توجهی، مانند «الملاحم»، «الواحدة»، «صاحب الزمان» و «وقت خروج القائم» دارند (همان: ۴۱۳). البته در مورد محمد بن جمهور این مطلب قابل ذکر است که او را «غالی» (همان: ۴۱۳)؛ «فاسد الحدیث» و «صاحب شعری» که در آن محرمات الاهی را حلال شمرده است (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۹۲)، دانسته‌اند. به هر ترتیب، منابع به این نکته تصریح کرده‌اند که حسن بن محمد بن جمهور از پدر خود اصلح و بیش‌تر مورد اعتماد بوده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۶۲). اگر بتوان احتمال داد که این روایت در کتاب وی با عنوان الواحدة نقل شده است؛ آن‌گاه با توجه به این که وی در عصر غیبت صغرا می‌زیسته، می‌توان احتمال داد که شلمغانی این روایت را از او، یا از کتاب وی دریافت داشته است.

۳. روایتی است که طوسی آن را ذکر کرده است (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۴۳). در این روایت، از رفتن جماعتی برای ملاقات با امام در ایام حیات امام عسکری علیه السلام سخن گفته شده است. شبیه این روایت را شیخ صدوق در کمال الدین و همچون شلمغانی از ابو جعفر المروری روایت کرده است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۹۸). گفتنی است صدوق این روایت را از طریق سعد بن عبدالله اشعری گرفته و در منابع موجود، این روایت تنها از طریق سعد بن عبدالله نقل شده است. بنابراین، طریق روایت به سعد بن عبدالله منحصر است. وی همان فقیه و بزرگ شیعه است که منابع رجالی از او با عظمت و بزرگی یاد کرده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۷۷-۱۷۸). او در سال ۲۹۹ یا ۳۰۱ هجری از دنیا رفته است. قابل ذکر این که وی کتاب‌های متعددی در فقه داشته؛ اما یکی از مباحث مورد علاقه اش مباحث اعتقادی و کلامی بوده و در این زمینه، کتاب‌هایی، از جمله الضیاء فی الامامة، بصائر الدرجات، کتاب الضیاء فی الرد علی محمدیه و الجعفریه و الرد علی الغلاة و... داشته است (همان: ۱۷۷-۱۷۸). کتاب بصائر الدرجات وی چهار جلد بوده است (طوسی، ۱۴۲۰: ۲۱۵). با این وصف، روشن می‌گردد که این مباحث،

حجم قابل توجهی از تألیفات وی را به خود اختصاص داده و همین مسئله خصوصیت قابل توجه وی است؛ یعنی در عین حال که وی شخصیتی فقیه است، روایات متعددی در زمینه‌های اعتقادی، خصوصا در باب کرامات و دلائل امامت ائمه علیهم‌السلام از او نقل شده؛ تا جایی که وی یکی از روایانی می‌باشد که در کتابی مثل دلائل الامامه، منسوب به طبری که با رویکردی دلائل نگارانه، یعنی رویکردی که سعی در اثبات امامت ائمه از راه معجزات و کرامات دارد^۱ به زندگی ائمه علیهم‌السلام پرداخته؛ روایات بسیاری از او می‌توان یافت (منسوب به طبری، ۱۴۱۳: ۱۰۲، ۱۳۹، ۲۲۹، ۲۶۷). همچنین قابل توجه این که بر اساس قرائن متعدد، وی مدتی در بغداد می‌زیسته است. یکی از قرائن این مطلب، آن است که از جمله مهم ترین مشایخ روایی او محمد بن عیسی بن عبید است. وی طبق مطالعه‌ای که بر روی کتاب‌های اربعه حدیثی شیعه و کتاب وسائل الشیعه حر عاملی انجام یافته؛ از حیث کثرت روایات دریافتی در رتبه سوم از مشایخ سعد بن عبدالله قرار دارد (مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نور، نرم افزار درایة النور، نسخه ۱/۲، قسمت اسناد). این، در حالی است که محمد بن عیسی بن عبید، در بغداد ساکن بوده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۳). به نظر می‌رسد منبع شلمغانی در این روایت سعد بن عبدالله و یکی از کتاب‌های وی بوده است.

۴. روایت نسبتا مفصلی است که در آن از اجتماع امیرالمومنین، علی علیه‌السلام و عده‌ای از اصحاب در مسجد و ورود مردی به این جمع و سوال‌های او از آن حضرت و پاسخ‌های امام مجتبی علیه‌السلام؛ سخن گفته شده است (منسوب به طبری، ۱۴۱۳: ۱۷۴-۱۷۶). شلمغانی طریق خود به این روایت را که از امام جواد علیه‌السلام حکایت می‌کند؛ ذکر نکرده؛ اما این روایت در منابع گوناگون با اختلافاتی در برخی الفاظ ذکر شده است. ابن بابویه در الامامة این روایت را از چهار راوی (سعد بن عبدالله، عبدالله بن جعفر حمیری، محمد بن یحیی العطار و احمد بن ادريس) نقل می‌کند و آن‌ها از احمد بن محمد بن خالد برقی و او از ابو هاشم جعفری (که روایت را از امام جواد علیه‌السلام شنیده است) نقل می‌کند (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۰۶). منابع مختلفی،

۱. برای مطالعه در این مورد (ر.ک: صفری فروشانی، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ش ۳۷ و ۳۸: ۲۲۳-۲۴۰).

این روایت را از صدوق و او به نقل از پدرش، ابن بابویه نقل کرده‌اند (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱: ۶۵؛ طبرسی، احمد بن علی ۱۴۰۳، ج ۱: ۲۶۶ و طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۹۰: ۴۰۴). البته کلینی آن را از جماعتی که از برقی نقل کرده‌اند، روایت کرده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۲۵). قابل توجه این که ابو هاشم جعفری کتابی داشته که عنوان آن ذکر نشده است (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۸۲)؛ اما چنان که ذکر گردید، منابع، عمدتاً از طریق برقی که این روایت را در کتاب المحاسن خود آورده (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۳۳۲) نقل کرده‌اند. بنابر این، به نظر می‌رسد منبع مکتوب شلمغانی در این روایت، المحاسن برقی است و طریق وی به این روایت می‌توانسته سعد بن عبدالله اشعری یا عبدالله بن جعفر حمیری (نیمه دوم قرن سوم هجری) باشد؛ چنان که خواهیم دید، شلمغانی روایات متعددی را از حمیری و کتاب الدلائل او دریافت کرده است.

۵. پنجمین روایت در مورد ولادت امام حسین علیه السلام و داستان معروف فطرس ملک است. این روایت در دلائل الامامه بدون ذکر سند، به نقل از شلمغانی آمده است (منسوب به طبری، ۱۴۱۳: ۱۸۹-۱۹۰؛ منسوب به مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۶۴ و حسین بن عبدالوهاب، بی تا: ۶۸). در ابتدای این روایت چنین آمده است: «الشلمغانی عن حدثه عن ابي جعفر...». معلوم نیست منظور از ابو جعفر امام جواد علیه السلام است یا امام باقر علیه السلام؛ اما منابع متعددی این روایت را از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱: ۶۸؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۶۶؛ صدوق، ۱۳۷۶: ۱۳۷ و فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۵۵).

کشی، آن را از محمد بن سنان، بدون استناد به امامی نقل کرده است (طوسی، ۱۴۰۹: ۵۸۲-۵۸۳). جزئیات ماجرا در این روایات و نقل‌ها متفاوت است و هیچ کس غیر از شلمغانی آن را از ابی جعفر نقل نمی‌کند. لذا دانسته نشد که وی آن را از چه منبعی دریافت کرده است. ۶. این روایت در مورد ابو خالد الکابلی است که در ابتدا به امامت محمد حنفیه اعتقاد داشت؛ اما پس از دیدار با امام سجاد علیه السلام به امامت آن حضرت اعتقاد یافت (منسوب به طبری، ۱۴۱۳: ۲۰۹؛ منسوب به مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۷۵-۱۷۶ و حسین بن عبدالوهاب، بی تا: ۷۲). طبق این روایت، وی پس از این که امام سجاد علیه السلام او را به نام «کنکر» خطاب کرد، به

حضرتش ایمان آورد؛ زیرا این، نامی بود که مادر وی بر او نهاده بود و غیر از او و مادرش کسی از آن آگاهی نداشت. صرف نظر از برخی جزئیات، محتوای این روایت را کشی نیز نقل کرده است (طوسی، ۱۴۰۹: ۱۲۰-۱۲۱). در نقل کشی این روایتی است که ابو بصیر از امام باقر علیه السلام (ابا جعفر) نقل می‌کند. در روایت شلمغانی که در کتاب دلائل الامامة نیز نقل شده؛ سند آن چنین ذکر شده است:

حدثني ابو المفضل محمد بن عبدالله قال حدثني ابو النجم بدر بن الطبرستاني قال حدثني ابو جعفر محمد بن علي عليه السلام قال:..... (منسوب به طبری، ۱۴۱۳: ۲۰۹).

در وهله اول به نظر می‌رسد نسخه نویسان به گمان این که منظور از ابو جعفر، محمد بن علی، امام باقر علیه السلام است، عبارت «علیهما السلام» را بعد از نام او ذکر کرده‌اند؛ اما مطالعه اسلوب نقل روایات شلمغانی در کتاب دلائل الامامة نکته دیگری را نشان می‌دهد. در این کتاب، معمولاً سند روایت از شلمغانی تا امام ذکر نمی‌شود و بعد از نام شلمغانی، نام امام می‌آید (همان: ۱۷۴، ۱۸۹، ۳۰۵). به نظر می‌رسد در این روایت نیز چنین بوده و بعد از نام ابو جعفر محمد بن علی، ابو جعفر علیه السلام قرار داشته است و نسخه نویسان به گمان اضافی بودن یکی از آن‌ها، آن را حذف کرده‌اند. با توجه به این که این روایت در منابع موجود غیر از آن چه کشی نقل کرده (طوسی، ۱۴۰۹: ۱۲۰-۱۲۱)؛ نظیر دیگری ندارد و نیز با توجه به بیانی که گذشت؛ می‌توان احتمال داد که این روایت با آن چه کشی نقل می‌کند، یکی است. باید توجه کرد که شلمغانی در نقل روایات، نقل به معنا می‌کند (منسوب به طبری، ۱۴۱۳: ۳۰۵؛ برقی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۳۱۴ و کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۸۵). لذا اختلاف موجود در برخی الفاظ از این رو قابل پذیرش است. به هر ترتیب، کشی این روایت را از منبعی مکتوب متعلق به جبرئیل بن احمد نقل می‌کند؛ اما جبرئیل بن احمد ساکن «کش» بوده (خویی، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۳)؛ لذا احتمال نقل شلمغانی از او بعید به نظر می‌رسد. جبرئیل بن احمد، این روایت را از محمد بن عبدالله بن مهران دریافت کرده است. بنابراین، بر فرض انحصار طریق این روایت به آن چه کشی نقل کرده، می‌بایست منبع شلمغانی را ابن مهران بدانیم. گفتنی است این ابن مهران شخصیتی «غالی»، «کذاب» و «فاسد المذهب و الحدیث» دانسته شده و صاحب

کتاب‌هایی بوده از جمله کتاب «الممدوحین و المذمومین» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۰). احتمال این که این روایت به این کتاب او مربوط باشد، بیش از کتاب‌های دیگر او است. می‌توان چنین فرض کرد روایتی را که او در باب ذکر ممدوحین از اصحاب ائمه در مورد ابو خالد ذکر کرده، شلمغانی به عنوان دلیلی برای امامت امام سجاد علیه السلام بیان می‌کند. شاید به همین دلیل، در منابع دیگر به عنوان دلیلی برای امامت امام سجاد علیه السلام ذکر نگردیده است. در صورت پذیرش این که منبع شلمغانی این کتاب ابن مهران است، باید گفت طریق شلمغانی به این کتاب را می‌توان سعد بن عبدالله اشعری^۱ یا عبدالله بن جعفر حمیری دانست؛ زیرا آن دو (که از مشایخ شلمغانی بوده‌اند) روایات احمد بن محمد بن خالد برقی را که کتاب‌های محمد بن عبدالله بن مهران را روایت می‌کرده (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۳۶)؛ نقل می‌کرده‌اند. شاید یکی از اسبابی که برقی به نقل از ضعفا متهم بوده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۶)؛ نقل روایات ابن مهران باشد. در هر حال، این که منبع شلمغانی در این روایت محمد بن عبدالله بن مهران باشد، تنها احتمالی است که از بررسی منابع موجود موجه به نظر می‌رسد.

۷. روایتی است در باب آمدن فردی منجم نزد امام سجاد علیه السلام و خبر دادن امام به آن شخص از آنچه خورده و آنچه ذخیره کرده بود (منسوب به طبری، ۱۴۱۳: ۲۱۰؛ منسوب به مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۷۳ و ابن طاووس، ۱۳۶۸: ۱۱۱). این روایت را شلمغانی بدون ذکر سند از ابو خالد کابلی ذکر کرده است. این، در حالی است که در منابع موجود، غیر از منابعی که از شلمغانی نقل کرده‌اند، تنها در کتاب الاختصاص منسوب به شیخ مفید^۲ چنین مضمونی نقل شده است (منسوب به مفید، ۱۴۱۳: ۳۱۹). در کتاب الاختصاص سند از محمد بن ابی عبدالله جامورانی شروع می‌شود؛ اما آن که در نهایت این روایت را حکایت می‌کند، عبدالصمد بن علی است که غیر از ابو خالد کابلی است. بنابراین، شواهد موجود به منبع شلمغانی در خصوص این روایت رهنمون نمی‌باشند.

۱. در مورد روایت اشعری از او (ر.ک: طوسی، ۱۴۲۰: ۵۴ و برای روایت حمیری از او: ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۲۰؛ صدوق، ۱۳۷۶: ۳۸، ۶۰۷ و خویی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۵).

۲. در مورد منسوب بودن این کتاب به شیخ مفید (ر.ک: شبیری، ۱۳۶۹، ش ۳۸: ۶۰-۸۱).

۸. روایتی در مورد خبر دادن امام صادق علیه السلام از این حقیقت است که امام کاظم علیه السلام (که در زمان صدور این روایت در سنین کودکی است) در آینده به دست بنی عباس زندانی خواهد شد. (منسوب به طبری، ۱۴۱۳: ۲۹۶ و منسوب به مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۹۱). این روایت را شلمغانی بدون ذکر طریق، از رفاعه بن موسی نقل کرده است. همین روایت را اربلی در کشف الغمة از کتاب «الدلائل» عبدالله بن جعفر حمیری از رفاعه بن موسی نقل کرده است (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۹۲). بنابراین، با توجه به استفاده گسترده شلمغانی از کتاب الدلائل حمیری، تردیدی نیست که منبع وی در این روایت همان کتاب الدلائل حمیری است. با توجه به مباحث آتی، شلمغانی در تألیف کتاب الاوصیاء بیشترین بهره را از همین کتاب الدلائل حمیری برده است. در مورد وی می‌توان گفت که نجاشی، وی را بزرگ قمی‌ها و شخصیت مورد توجه آن‌ها توصیف کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۱۹). او هر چند دارای کتاب‌های فقهی بود مثل قرب الإسناد إلى الرضا (همان: ۲۲۰)؛ بر اساس عناوین کتاب‌های وی، بیش‌تر مباحث مورد علاقه‌اش را مباحث اعتقادی و کلامی تشکیل می‌داده است (همان). از او روایات بسیاری در میان منابع موجود بر جای مانده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۲۹، ۴۶۸، ۴۷۲، ۴۹۷). افزون بر آن، بسیاری از کتاب‌ها و تألیفات مولفان شیعه، از طریق او به دیگران انتقال یافته است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۳، ۳۱، ۳۸، ۴۹، ۵۲، ۵۹، ۷۲). همچنین گفتنی است کتاب الدلائل وی از کتاب‌های مهم او در موضوع امامت می‌باشد که مورد توجه دلایل نگاران نیز قرار گرفته است. (منسوب به طبری، ۱۴۱۳: ۳۶۷، ۳۶۸).

۹. روایت دیگر، مرفوعه‌ای^۱ است از امام صادق علیه السلام که در آن، از دلایل امامت (معجزات امام را هنگام ولادت، مانند نهادن دست‌ها بر زمین و بلند کردن سر بر آسمان و شهادت دادن بر یگانگی خدا) ذکر داده است (منسوب به طبری، ۱۴۱۳: ۳۰۵؛ منسوب به مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۹۰). این روایت در منابع دیگری نیز نقل شده است (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۳۱۴؛ کلینی، ۱۴۰۷،

۱. «حدیث مرفوع»، حدیثی است که از وسط، یا آخر سند آن یک راوی یا بیش‌تر افتاده باشد؛ ولی با تصریح به لفظ «رفع» (ر.ک: زین العابدین قربانی علم حدیث و نقش آن در شناخت و تهذیب حدیث: ۱۱۴).

ج ۱: ۳۸۵؛ حسین بن عبدالوهاب، بی تا: ۹۵ و یوسف بن حاتم شامی، ۱۴۲۰: ۶۵۰؛ اما با توجه به ارتباط شلمغانی با روایات احمد بن محمد بن خالد برقی، می‌توان گفت که در واقع آن چه شلمغانی نقل کرده، نقل به معنایی از روایت کتاب المحاسن برقی است.

۱۰. روایت مرفوعه دیگری است که شلمغانی از «جابر» نقل می‌کند، بدون آن که تعیین کند مرادش از جابر کیست. در این روایت، جریان خریدن، کنیزی به اسم حمیده به دستور امام باقر علیه السلام آمده است. امام باقر علیه السلام این کنیز را بعد از خرید به امام صادق علیه السلام هدیه داد و امام کاظم علیه السلام از او به دنیا آمد (منسوب به طبری، ۱۴۱۳: ۳۰۸ و منسوب به مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۸۹). قابل توجه این که در منابع دیگر، این روایت را یوسف بن حاتم شامی (م قرن ۷ق) به صورت مرفوع از جابر بن یزید جعفی (م ۱۲۸ ق) نقل می‌کند (یوسف بن حاتم، ۱۴۲۰: ۶۴۹). برخی منابع محتوایی، شبیه این روایت را نه از جابر، بلکه از عیسی بن عبدالرحمن راوی کوفی و صحابی امام صادق علیه السلام، (طوسی، ۱۳۷۳: ۲۵۸)، از پدرش نقل کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۷۶). با این اوصاف، در باب منبع شلمغانی در این روایت، می‌توانیم چنین تحلیل کنیم که می‌دانیم جابر کتاب‌هایی با عنوان «النوادر» و «الفضائل» داشته است (نجاشی: ۱۳۶۵: ۱۲۹) و محمد بن سنان نیز در طریق نجاشی و طوسی، به کتاب‌های جابر قرار دارد (همان: ۱۲۹ و طوسی، ۱۴۲۰: ۱۱۶)؛ از طرفی عبدالله بن جعفر حمیری و سعد بن عبدالله اشعری نیز کتاب‌ها و روایات ابن سنان را نقل می‌کرده‌اند (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۰۷)؛ بر این اساس، اگر شلمغانی طریقی به روایات جابر داشته، احتمالاً آن طریق حمیری و سعد از ابن سنان بوده است.

۱۱. روایتی است مرفوعه از یعقوب السراج که در آن، امام کاظم علیه السلام که کودکی درون گهواره است به وی می‌فرماید: اسم دختر خود را که «حمیرا» نهادی، تغییر ده (منسوب به طبری، ۱۴۱۳: ۳۲۶؛ منسوب به مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۹۱ و بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۶: ۲۲۵). این روایت در چند منبع دیگر ذکر شده و در همه آن‌ها، این نکته که روایت مذکور از یعقوب السراج است و آن را محمد بن سنان از وی شنیده؛ مشترک می‌باشد (رک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۱۰؛ مفید، ۱۴۱۳ الف، ج ۲: ۲۱۹؛ طبرسی فضل بن حسن، ۱۳۹۰: ۲۹۹ و اربلی، ۱۳۸۱،

ج ۲: ۲۲۱). گفتنی است که غالب منابع طریق خود را به این روایت ذکر نکرده و عمدتاً از محمد بن سنان به بعد را متذکر گشته‌اند و تنها کلینی است که طریق خویش را متذکر می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۱۰). وی این روایت را از حسین بن محمد، از معلی بن محمد، از وشاء و او از محمد بن سنان دریافت کرده است. با توجه به منقطع بودن اسناد در دیگر منابع، نمی‌توان به انحصار طریق این روایت در آن چه کلینی ذکر کرده است؛ حکم کرد. بنابراین، نسبت به منبعی که شلمغانی این روایت را از آن دریافت داشته، نمی‌توان به طور قطع داوری کرد؛ اما به طور کلی مانند روایت قبلی می‌توان گفت شلمغانی که ارتباطش با عبدالله بن جعفر حمیری ثابت است، احتمال این که در این روایت از طریق وی به روایت ابن سنان دست یافته باشد؛ خالی از وجه نیست.

۱۲. روایتی است که در آن، از آمدن ابو حنیفه (م ۱۵۰ق) نزد امام صادق علیه السلام برای پرسیدن نکته‌ای از آن حضرت، سخن گفته شده است. وی قبل از این که به دیدار آن حضرت موفق شود امام کاظم علیه السلام را که در سنین کودکی بود، ملاقات کرده و از ایشان سوال می‌کند و پاسخ لازم را می‌شنود (منسوب به طبری، ۱۴۱۳: ۳۲۷). جز آن چه شلمغانی روایت کرده و منابعی که از او اخذ کرده‌اند (منسوب به مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۹۱؛ بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۶: ۲۲۶ و بحرانی، ۱۴۱۱، ج ۴: ۲۰۱)؛ منابع متعددی نیز محتوای آن را یادآور گشته‌اند (مفید، ۱۴۱۳ ب: ۷۲؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۳۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۱۴ و طبرسی فضل بن حسن، ۱۳۹۰: ۳۰۸). اما جالب توجه آن که تمام این منابع، متأخر از شلمغانی هستند و همه آن‌ها بدون ذکر هیچ سندی، بلکه با لفظ «روی» به نقل آن پرداخته‌اند. به این ترتیب، در هیچ منبعی سندی برای این روایت یافت نشد.

۱۳. در روایت دیگر جریان آمدن فردی از اهالی ری به نزد امام کاظم علیه السلام آمده است که حضرت در گذشت برادر آن فرد را به او خبر می‌دهد. این، در حالی است که وی چند روز قبل، از برادرش نامه‌ای دریافت کرده بود. او تاریخ این خبر را ضبط کرد و بعدها که از بازماندگان برادرش زمان درگذشت او را جويا شد، زمان آن اتفاق را با آن چه امام فرموده بود، یکی یافت (منسوب به طبری، ۱۴۱۳: ۳۲۷؛ منسوب به مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۹۷ و حسین بن

عبدالوهاب، بی تا: ۹۸). شلمغانی این روایت را مرفوعاً از علی بن ابی حمزه نقل کرده است. با توجه به این که چند منبع دیگر این روایت را با همین کیفیت از کتاب الدلائل حمیری نقل کرده‌اند (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۴۱ و ابن طاووس، ۱۳۶۸: ۲۳۰)؛ مشخص می‌شود که منبع شلمغانی نیز همان کتاب الدلائل شیخ او، یعنی حمیری است.

۱۴. روایت دیگر، مرفوعه‌ای است از هشام بن احمد که در آن، نحوه خرید کنیزی به نام «تکتّم» برای امام کاظم علیه السلام ذکر شده است. این کنیز همان مادر امام رضا علیه السلام می‌باشد (منسوب به طبری، ۱۴۱۳: ۳۴۸؛ منسوب به مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۰۱ و حسین بن عبدالوهاب، بی تا: ۱۰۶). این روایت نیز در منابع مختلفی آمده که باز هم شلمغانی آن را نقل به معنا کرده است. هر چند کلینی از محمد بن یحیی این روایت را دریافت کرده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۸۶)؛ عموم منابعی که به نقل آن پرداخته‌اند، آن را از سعد بن عبدالله دریافت کرده‌اند (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۷؛ منسوب به مفید، ۱۴۱۳: ۱۹۷؛ طبری آملی، ۱۳۸۳: ۲۱۵ و راوندی قطب الدین، ۱۴۰۹، ج ۲: ۶۵۳). به این ترتیب، با توجه به ارتباط شلمغانی با سعد بن عبدالله، می‌توان نتیجه گرفت که در مورد این روایت نیز منبع او سعد بن عبدالله اشعری است.

۱۵. آن چه به عنوان روایت پانزدهم در این تحقیق مورد بحث قرار می‌گیرد، در واقع چندین روایت است که در آن‌ها تاریخی از وقایع دوران امامت امام رضا علیه السلام عنوان شده است: از هنگامی که امام رضا علیه السلام قصد کرد از مدینه به سمت مرو خارج شود، تا سخنان آن حضرت با اهل و عیال خویش و با امام جواد علیه السلام و نیز اصحابش تا رفتن آن حضرت به مرو و استقبال مأمون از آن حضرت و خواندن نماز عید و تزویج دختر مأمون به امام و جریان ولایتعهدی و نحوه شهادت آن بزرگوار (منسوب به طبری، ۱۴۱۳: ۳۴۹؛ منسوب به مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۱۱ و ۲۱۲ و بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۷: ۸۱ و ۱۷۹) با این وصف و با توجه به این که شلمغانی در طرح روایات، نقل به معنا می‌کند و بعضی از آن‌ها را با بعضی دیگر ترکیب می‌سازد؛ نمی‌توان در خصوص منابع شلمغانی نظری داد؛ جز آن که وی در شروع این روایت، سندی را ذکر کرده که قابل توجه است. او آن چه را نقل می‌کند، روایتی از محمد بن عیسی، از ابی محمد الوشاء می‌داند که البته تنها به قسمت اول این روایات و وداع امام رضا علیه السلام از خانواده خود در مدینه

مربوط است (منسوب به طبری، ۱۴۱۳: ۳۴۹). جالب توجه این که ابو محمد الوشاء کتابی با عنوان «مسائل الرضا» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۰) داشته است. هرچند این عنوان معمولاً بر کتاب‌هایی گذاشته می‌شد که غالباً مشتمل بر سوالات کتبی راوی یا دیگران از یکی از ائمه علیهم‌السلام بوده است؛ محتمل است این روایت مأخوذ از مباحث مقدماتی یا حاشیه‌ای آن کتاب بوده باشد. در صورت پذیرش چنین مطلبی، می‌بایست پذیرفت که منبع اولیه و اصلی این روایت، همان کتاب الوشاء از ابی محمد الوشاء است که خود از اصحاب امام رضا علیه‌السلام بوده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۹). مطلب دیگر این که این روایت را محمد بن عیسی از وی نقل کرده است. مراد از محمد بن عیسی، «ابن یقظین» است؛ زیرا اوست که روایات الوشاء را نقل می‌کرده است (خویی، ۱۴۱۳، ج ۱۷: ۸۷). مطلب بعدی این که عبدالله بن جعفر حمیری و سعد اشعری هر دو راوی کتاب‌های محمد بن عیسی بوده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۴). بر این اساس، می‌توان احتمال داد که شلمغانی از طریق حمیری و اشعری به روایات محمد بن عیسی و از او به کتاب مسائل الرضا، از ابو محمد الوشاء دست یافته است.

۱۶. این روایت جریانی است که آن را حکیمه، دختر امام کاظم علیه‌السلام حکایت کرده و به وقایع هنگام ولادت امام جواد علیه‌السلام مربوط است (منسوب به طبری، ۱۴۱۳: ۳۸۳ و بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۷: ۲۵۹). جالب توجه این که آنچه را شلمغانی روایت کرده و طریقی که برای آن ذکر کرده، همان روایتی است که در کتاب اثبات الوصیه با همان کیفیت از حمیری ذکر گردیده است (منسوب به مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۱۷). در منابع، غیر از آنچه در اثبات الوصیه آمده، هیچ نظیری برای این روایت یافت نمی‌شود. بنابراین، تردیدی نیست که شلمغانی روایت مذکور را از حمیری دریافت کرده است. روایات ۱۷، ۱۸ و ۱۹، روایات نسبتاً مفصلی است که حدود ۷ صفحه را به خود اختصاص داده و تاریخچه‌ای از دوران به امامت رسیدن امام جواد علیه‌السلام و وقایع دوران امامت آن حضرت را بازگو می‌کند (منسوب به طبری، ۱۴۱۳: ۳۸۸-۳۹۴ و ۴۰۱-۴۰۲). قابل توجه این که این هفت صفحه هم در کتاب دلائل الامامه ذکر گردیده و هم در کتاب اثبات الوصیه (منسوب به مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۲۰-۲۲۶)؛ با این تفاوت که در دلائل الامامة روایاتی از شلمغانی است؛ اما در اثبات الوصیه از کتاب الدلائل حمیری نقل شده

است. تفاوت دیگر، ترتیب نقل این روایات در این دو منبع است که برخی از بخش های آن با یکدیگر جابه جا شده‌اند. به هر رو، تردیدی نیست که منبع شلمغانی در این روایات کتاب الدلائل حمیری بوده است.

۲۰. روایتی است که در آن، از شلمغانی چنین نقل شده است: «روی محمد بن الفرّج بن ابراهیم بن عبدالله بن جعفر قال...» و در ادامه جریانی را بیان می‌کند در مورد خرید کنیزی برای امام جواد علیه السلام که امام هادی علیه السلام از ایشان متولد می‌شود (منسوب به طبری، ۱۴۱۳: ۴۱۰). قابل توجه این که این روایت در منابع متقدم تنها در همین کتاب دلائل الامامه، از شلمغانی و در اثبات الوصیه (منسوب به مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۲۸) بدون ذکر منقول عنه، آمده است و افزون بر این دو منبع، در منابع موجود، روایتی که مانند این جریان را حکایت کند، یافت نشد. با این اوصاف، طریق شلمغانی به روایت محمد بن الفرّج مشخص نیست و کتابی از او به ثبت نرسیده است.

۲۱. روایتی است که شلمغانی، آن را از ابو هاشم الجعفری حکایت می‌کند و جریان آن، سوال کردن شخصی ارمنی از امام عسکری علیه السلام در مورد آیه «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا» (اعراف: ۱۷۲) است که امام در پاسخ وی می‌فرماید:

معرفت ثابت شد؛ ولی موقف را فراموش کردند و به همین زودی یادآور آن خواهند شد. اگر این‌طور نبود، کسی نمی‌دانست که خالق و رازقش کیست (منسوب به مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۴۹؛ حلی، ۱۴۲۱: ۴۰۰).

این روایت از روایات کتاب الدلائل حمیری است (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۱۹).

۲۲. روایتی است که در آن، از وصیت امام علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام در خصوص موضع دفن پیکر آن حضرت در پشت کوفه و مکانی که جنازه از حرکت بایستد؛ خبر داده است (ابن طاووس، بی تا: ۱۳۰-۱۳۱). برای این روایت در منابع موجود نظیری یافت نشد و مشخص نگردید که شلمغانی آن را از چه منبعی دریافت کرده است.

۲۳. آخرین روایت بازمانده از کتاب الاوصیاء شلمغانی، حدیث مشهور به «جنود عقل و

جهل» است (منسوب به مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۵-۱۷). یکی از مهم‌ترین منابع این روایت، احمد بن محمد بن خالد برقی است که به واسطه علی بن حدید، آن را از سماعة بن مهران حکایت می‌کند (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۹۶-۱۹۸). منابع دیگر، از جمله الکافی نیز این روایت را از برقی اخذ کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۰). سعد بن عبدالله اشعری و عبدالله بن جعفر حمیری، هر دو نفر، این حدیث را از برقی روایت کرده‌اند (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۸۸-۵۹۱). بنابراین، منبع مکتوب شلمغانی کتاب المحاسن برقی بوده که به واسطه اشعری و حمیری از او نقل می‌کند.

نتیجه گیری

بنابر آنچه گذشت، می‌توان گفت کتاب «الاصیاء» از منابع مورد اعتماد اصحاب بوده است که حتی در دوره پس از انحراف شلمغانی، دانشمندانی از شیعه، همچون شیخ طوسی، سید علی بن طاووس، سید عبدالکریم بن طاووس، حسن بن سلیمان حلی، شیخ حر عاملی و بحرانی از آن حدیث نقل می‌کرده‌اند و تا قرن دوازدهم موجود بوده است. بر اساس روایات بازمانده از این کتاب، در لابه لای منابع موجود، شلمغانی در تألیف کتاب الاوصیاء از منابعی چون الدلائل عبدالله بن جعفر حمیری (۷ روایت)، المحاسن احمد بن محمد بن خالد برقی (۳ روایت)، برخی از کتاب‌های سعد بن عبدالله اشعری (۲ روایت)، مسائل الرضا ابو محمد حسن بن علی بن زیاد الوشاء (۱ روایت)، الفضائل یا النوادر جابر بن یزید جعفی (۱ روایت)، الممدوحین و المذمومین محمد بن عبدالله بن مهران (۱ روایت)، و الواحدة حسن بن محمد بن جمهور (۱ روایت)؛ بهره برده است که در این میان بیش‌ترین سهم به الدلائل حمیری اختصاص دارد. افزون بر آن، طریق او به کتاب‌های گذشتگان، عمدتاً عبدالله بن جعفر حمیری و سعد بن عبدالله اشعری بوده است. وی در غالب روایات نقل به معنا می‌کرده و به الفاظ، یا گزارش کامل روایات پایبند نبوده است؛ اما بر این امر اهتمام داشته که روایات خود را از منبعی دریافت کرده باشد. خواه آن منبع در نظر محدثان آن دوره، منبعی معتبر دانسته شود و خواه غیر معتبر؛ مانند کتاب ابن مهران.

منابع

قرآن کریم.

١. ابن اثیر، عز الدین علی (١٣٨٥ ق). *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر.
٢. ابن بابویه، علی بن حسین (١٤٠٤ ق). *الامامة و التبصرة من الحيرة*، قم، مدرسة الامام المهدي.
٣. ابن شهر آشوب، مازندرانی، (١٣٧٩ ق). *مناقب آل ابی طالب*، قم، علامه.
٤. ابن طاووس، سید علی (١٣٨٦ ق). *فرج الممهموم فی تاریخ علماء النجوم*، قم، دار الذخائر.
٥. ابن طاووس، سید عبد الکریم طاووس، (بی تا). *فرحة الغری فی تعیین قبر امیر المؤمنین علی بن ابی طالب*، قم، منشورات الرضی.
٦. ابن غضائری، احمد بن حسین واسطی بغدادی (١٣٦٤). *الرجال*، اول، قم، دار الحدیث.
٧. ابن قولویه، جعفر بن محمد (١٣٥٦). *کامل الزیارات*، مصحح: امینی، عبدالحسین، نجف اشرف، دار المرتضویه.
٨. اربلی، علی بن عیسی (١٣٨١). *کشف الغمة فی معرفة الائمة*، مصحح: رسولی محلاتی، سیدهاشم، تبریز، بنی هاشمی.
٩. آزدی، یزید بن محمد (١٤٢٧ ق). *تاریخ الموصل*، تحقیق: محمد احمد عبدالله، بیروت، دار الکتب العلمیة.
١٠. انصاری، حسن (١٣٩٠). *از کتاب الأوصیای شلمغانی تا اثبات الوصیه مسعودی*، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
١١. بحرانی، سید هاشم (١٣٧٤). *البرهان فی تفسیر القرآن*، قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسة البعثة، قم، موسسه بعثه.
١٢. _____ (١٤١١ ق). *حلیة الابرار فی احوال محمد وآله الابرار*، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیة.
١٣. _____ (١٤١٣ ق). *مدینة معاجز الأئمة الإثنی عشر*، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیة.
١٤. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (١٣٧١ ق). *المحاسن*، تحقیق محدث جلال الدین، قم، دار الکتب الاسلامیة.
١٥. بروجردی، آقا حسین (١٣٩٩ ق). *جامع احادیث الشیعه*، قم، المطبعة العلمیة.
١٦. حر عاملی. محمد بن حسن (١٤٠٩ ق). *وسائل الشیعة*، تحقیق: موسسه آل البيت علیه السلام قم، موسسه آل البيت علیه السلام
١٧. _____ (١٣٨٤). *الجواهر السنیة فی الاحادیث القدسیة*، نجف اشرف، محمد جواد کتبی کاظمی.
١٨. _____ (١٤٢٥ ق). *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، بیروت، اعلمی.

۱۹. حسین بن عبد الوهاب (بی تا) *عیون المعجزات*، قم، مكتبة الداوری.
۲۰. حلی، حسن بن سلیمان (۱۴۲۱ق). *مختصر البصائر*، ترجمه مشتاق مظفر، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
۲۱. خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق). *الهدایة الكبرى*، بیروت، البلاغ.
۲۲. خویی، سید ابو القاسم (۱۴۱۳ق). *معجم رجال الحديث*، بی جا، مركز نشر الثقافة الاسلامیة.
۲۳. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹ق). *الخرائج و الجرائح*، مؤسسة امام المهدي عليه السلام، قم، مؤسسة امام المهدي عليه السلام.
۲۴. رحمتی، محمد کاظم بهار (۱۳۸۵). *غیبت صغری و نخستین بحران های امامیه*، تاریخ اسلام، دانشگاه باقر العلوم عليه السلام، شماره ۲۵.
۲۵. شبیری، سید محمد جواد (۱۳۸۱). *اثبات الوصیة و مسعودی صاحب مروج الذهب*، نشریه انتظار موعود سال دوم شماره چهارم.
۲۶. _____ (تابستان ۱۳۶۹). *شیخ مفید و کتاب اختصاص*، نشریه نور علم، شماره ۳۸.
۲۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۳۶۷). *الامالی*، تهران، کتابچی.
۲۸. _____ (۱۳۶۲). *الخصال* ترجمه غفاری علی اکبر، قم، جامعه مدرسین.
۲۹. _____ (۱۳۷۸ق). *عیون اخبار الرضا عليه السلام*، ترجمه لاجوردی مهدی، تهران، نشر جهان.
۳۰. _____ (۱۳۸۵). *علل الشرايع*، قم، داوری.
۳۱. _____ (۱۳۹۵). *کمال الدین و تمام النعمه*، ترجمه غفاری علی اکبر، تهران، اسلامیه.
۳۲. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات*، تحقیق کوجه باغی محمد، قم، مكتبة آیت الله المرعشی النجفی.
۳۳. صفری، فروشانی نعمت الله (زمستان ۱۳۸۵). *حسین بن عبد الوهاب و عیون المعجزات*، علوم حدیث شماره ۴.
۳۴. _____ (پاییز و زمستان ۱۳۸۴). *محمد بن جریر طبری آملی و دلائل الامامة*، علوم حدیث، ش ۳۷ و ۳۸.
۳۵. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، خراسان محمد باقر، مشهد، نشر مرتضی.
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق). *اعلام الوری باعلام الهدی*، تهران، اسلامیه.
۳۷. طبری آملی، عماد الدین ابی جعفر محمد بن ابی القاسم (۱۳۸۳ق). *بشارة المصطفى لشيعة المرتضى*، نجف، المكتبة الحيدرية.

۳۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *اختیار معرفة الرجال*، ترجمه مصطفوی حسن، مشهد، موسسه نشر دانشگاه مشهد.
۳۹. _____ (۱۳۷۳). *الرجال*، ترجمه، قیومی اصفهانی جواد، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۴۰. _____ (۱۴۲۰ق). *فهرست كتب الشيعة وأصولهم وأسماء المصنفين وأصحاب الأصول*، تحقیق طباطبایی عبد العزیز، قم، مکتبه المحقق الطباطبایی.
۴۱. _____ (۱۴۱۱ق). *كتاب الغيبة*، قم، دار المعارف الاسلامیه.
۴۲. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم، انتشارات رضی.
۴۳. قربانی، زین العابدین (۱۴۱۶ق). *علم حدیث و نقش آن در شناخت و تهذیب حدیث*، قم، انصاریان.
۴۴. کرباسی، محمد جعفر بن محمد طاهر الخراسانی (۱۴۲۵ق). *اکلیل المنهج فی تحقیق المطلب*، تحقیق: حسینی سید جعفر، قم، دار الحدیث.
۴۵. کلبرگ، اتان (۱۳۷۱) *کتابخانه ابن طاووس*، ترجمه قرائی، سید علی، جعفریان، رسول، قم، کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، ترجمه غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۴۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
۴۹. _____ (۱۴۱۳ق). *الفصول المختارة*، میر شریفی علی، قم، کنگره شیخ مفید.
۵۰. منسوب به طبری، محمد بن جریر بن رستم صغیر (۱۴۱۳ق)، *دلائل الامامة*، قم، بعثت.
۵۱. منسوب به مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۴). *اثبات الوصية*، قم، انصاریان.
۵۲. منسوب به مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *الاختصاص*، ترجمه غفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی، محمود، قم، المؤتمر العالمي لالفیة الشيخ المفید.
۵۳. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). *رجال النجاشی*، بی جا، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسین بقم المشرفه.
۵۴. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهما السلام، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهما السلام لإحياء التراث.
۵۵. یاقوت، حموی (۱۹۵۵م). *معجم البلدان*، بیروت، دار صادر.
۵۶. یوسف بن حاتم شامی، ق (۱۴۲۰). *الدر النظیم فی مناقب الائمة اللہامیم*، قم، جامعه مدرسین.
۵۷. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)، *نرم افزار درایه النور*، نسخه ۱/۲، قسمت اسناد.